



ادامه سرمقاله

سرمایه اجتماعی و سلامت

از دیگر سو با کاهش و افول سرمایه اجتماعی، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امور خیریه، افزایش انحرافات، اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسلی خواهیم بود که بررسی اهمیت و میزان تاثیرگذاری هر یک از این متغیرها نیازمند پژوهش مفصل اجتماعی است.

ایران، به دلیل دین، زبان، آیین و رسوم، جشن‌ها و عزاداری‌ها، احترام عامه مردم به اصول و ارزش‌ها و ... دارای عناصری از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است. مردم بعد از انقلاب، در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها و نمازجمعه‌ها شرکت کرده‌اند، حضور فعال در جنگ داشته‌اند، در مسائلی مانند حضور ایران در جام جهانی یا قهرمانی ورزشکاران، سیل، زلزله، سقوط هواپیما و ... حس مشترک که نمادی از سرمایه اجتماعی است، داشته‌اند.

از آنجا که سرمایه اجتماعی، عنصری ثابت و خنثی نیست، نظام و سیستم اجتماعی با هر تحریکی، ممکن است دچار نقص و انحراف در اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی مواجه شود که سبب مهاجرت، افسردگی، اعتیاد، نارضایتی عمومی و اغتشاش و فروپاشی خواهد شد.

از سوی دیگر اگر سطح اعتماد در جامعه‌ای پایین و ارتباطات ضعیف باشد ممکن است جامعه به چندین گروه با اهداف کاملاً متضاد تقسیم شود که در این صورت تعامل متقابل تا حدودی سخت‌تر می‌شود. بخش‌های نسبتاً خوب سازماندهی شده جامعه ممکن است در تاثیرگذاری سیاستگذاری اقتصادی به نفع خود و ضرر سایر گروه‌ها و حتی کل جامعه، موفق عمل کنند.

نگاهی به جامعه ایرانی نشان می‌دهد که پس از دوره گذار جنگ و تمایل روز افزون به رشد اقتصادی در مسیری گام برداشته که در این راه استفاده بی‌رویه از منابع و تخریب محیط زیست و یا تخریب آینده دیگران و آیندگان را نادرست شمرده و دست به هر اقدامی می‌زند و بحران کاهش سرمایه اجتماعی را می‌توان در آن به روشنی دید.

ما بعنوان یک سازمان غیردولتی محیط‌زیستی برای بهبود کیفیت زندگی در این راه گام برداشته‌ایم و می‌دانیم که در اول مسیریم و به آینده امیدوار.

از شما دعوت می‌کنیم که در این باره با ما گفتگو کنید.

بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامتی به حالت کامل رفاه جسمی، روحی و اجتماعی و نه فقط عدم بیماری یا ناتوانی گفته می‌شود. ارتقای سطح سلامت جامعه چگونه ممکن است؟

امروز بیش از هر زمان دیگری می‌دانیم که افزایش بهداشت و شاخص‌های سلامتی و آموزش روش‌های پیشگیری از بیماری جایگاه بالاتری دارد تا این که بخواهیم بیمار شویم و مبتلا به بیماری تا بعد به روش‌های درمان متوسل شویم و هزینه‌های گزاف مربوط به آن را پردازیم. شعار کلیشه‌ای و قدیمی، اما هنوز جای حرف و عمل بسیار دارد این شعار که می‌گوید: پیشگیری بهتر از درمان است. ارتقای بهداشت و سلامتی در هر جامعه‌ای بی‌شک پیوند ناگسستنی و عمیقی با ارتقای فرهنگ آن جامعه دارد و در طول سالیان همیشه تلاش بر این بوده تا از طریق ابزارهایی مثل آموزش در جهت فرهنگسازی و ارتقای شاخص‌های بهداشتی جامعه بکوشیم چرا که وقتی اخلاق بهداشتی در جامعه‌ای ریشه‌دار می‌شود و نتیجه می‌دهد که وارد فرهنگ مردم شود و بدین شکل است که پایدار می‌ماند و در رفتارها بروز می‌یابد. اما شاید در همین ابتدا برای مان سوالی مطرح شود که فرهنگ و سلامت کجا و واژه نوظهوری بنام سرمایه اجتماعی کجا؟ اصلاً سرمایه اجتماعی دیگر چیست؟

ارتقای بهداشت و سلامتی

پیوند ناگسستنی و عمیقی

با ارتقای فرهنگ دارد

اعتماد مهم‌ترین مولفه تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در جامعه است. اعتماد می‌کنیم و حلقه‌های ارتباطی تشکیل می‌دهیم و در حلقه‌های ارتباطی خود، آگاهانه به تبادل تجربیات و اطلاعات می‌پردازیم. در واقع منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند بدست بیاورند. با سرمایه اجتماعی قادر خواهیم بود داشته‌ها، دانش و تجربیات خود را از میدان فردیت و شخصی بودن خارج کرده و به اجتماع وارد کنیم. سرمایه اجتماعی یک جامعه، پیوند آگاهانه مردم و گروه‌ها در جامعه است. سرمایه اجتماعی مشارکت آگاهانه انسان‌ها

در جامعه برای رسیدن به مقصودی مشترک (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) می‌باشد. هر قدر این مشارکت‌ها و فعالیت‌های گروهی هدفمند در جامعه‌ای بیش‌تر باشد آسیب‌ها و جرایم، بی‌اعتمادی و یاس و ناامیدی کم خواهد شد. چون افراد به یکدیگر اعتماد دارند و آنچه کسب می‌کنند را به اشتراک می‌گذارند و از طریق پیوندها و کار گروهی جامعه‌ای بالنده را شکل می‌دهند.

رابطه سرمایه اجتماعی با بهداشت از سال ۱۹۰۱ جامعه‌شناسی به نام دورکیم رابطه بین خودکشی و یکپارچگی اجتماعی را تشخیص داد، ثابت شده است. سرمایه اجتماعی بالاتر با انسجام اجتماعی بیش‌تر سبب بهبود شرایط بهداشت جامعه می‌شود.

بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت امروزه بخش عظیمی از اشکال بیماری‌ها در کشورهای در حال توسعه با عوامل و مدل‌های اجتماعی رابطه‌ای قوی دارد. مشکلاتی مانند فقر، شکست در تحصیلات، زندگی در محیط فیزیکی نامناسب، سطح بالای عدم امنیت در جامعه مثل خشونت یا تصادف و وقایع منفی زندگی (طلاق، از دست دادن کار، مهاجرت) که از عوامل اجتماعی محسوب می‌شوند، تاثیرات زیادی بر سلامت انسان‌ها دارند.

بیاییم ساده‌تر به موضوع نگاه کنیم؛ دو جامعه فرضی متفاوت داریم:

جامعه الف) که در آن مردم به هم اعتمادی ندارند، ارتباطی با هم ندارند، کارهای مشارکتی مانند پختن آش نذری گروهی از خانم‌های محلی یا همیاری برای تهیه جهیزیه در این جامعه نمی‌بینیم. جامعه تنها در قالب مجموعه‌های کوچک خانواده است که هیچ ارتباط هدفمند و تبادل اطلاعاتی بین این مجموعه‌ها وجود ندارد.

در مقابل جامعه ب را داریم؛ جامعه‌ای که در آن خارج از مجموعه‌های کوچک خانواده؛ گروه‌ها و به بیانی دیگر شبکه‌های گوناگون انسانی را می‌بینیم که فعالانه در راه رسیدن به مقصودی مشخص و مشترک در درون خود پویا هستند مثال روشنی می‌زنم: در جامعه ب شما گروه‌های مردم نهادی را می‌بینید که اعضای آن هر کدام از دل یک خانواده خارج شده و در گروه به هم پیوند می‌خورند و با هم هدف مشترکی مثل آموزش محیط‌زیستی به کودکان را به صورت داوطلبانه به عهده دارند و یا گروهی که در دل مسجد محل تشکیل

شده و افراد محل که هرکدام از یک خانواده برخاسته‌اند در کنار هم به فعالیت کمک به خانواده‌های کم بضاعت محله مشغول هستند.

حال به این مبحث دقت کنیم؛ به نظر شما تحقق یک هدف مشخص مثل کاهش ابتلا به بیماری آنفولانزای خونی در یک جامعه - که آمار ابتدا در آن بسیار بالاست و تعدادی از افراد نیز به این خاطر جان خود را از دست داده‌اند و مهم‌ترین راه کاهش آن را رعایت دستورات بهداشت فردی می‌دانیم - در جامعه الف راحت‌تر و سریع‌تر رخ می‌دهد یا در جامعه ب؟

در جامعه ب با شناسایی گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مردمی و سپس آموزش به آن‌ها - که هرکدام از اعضای آن نماینده یک خانواده هستند و انتقال‌دهنده آموزش‌ها به خانواده خود - به راحتی می‌توانید به مقصود خود دست یابید.

از جنبه دیگر در دنیای امروز که نامش را حرکت به سمت مدرنیته می‌نامیم از سلامت روانی رنج می‌بریم. در دو جامعه بالا بی‌شک جامعه ب جامعه‌ای با سلامت روانی بالاتر است چرا که افراد با حس اعتماد و امنیت به هم در قالب گروه‌ها به ابراز وجود و فعالیت داوطلبانه می‌پردازند که سبب ارتقای سلامت روانی افراد درگیر می‌شود و این موضوع در مقالات علمی بسیاری نگاشته شده است.

در شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی است که



افراد از حمایت، اعتماد و روابط عاطفی با سایر افراد برخوردار می‌شوند. افراد در قالب هنجارها و پیوندهای اجتماعی موجود در تعاملات اجتماعی، قابلیت‌های خود را افزایش داده و ضمن بدست‌آوردن امکان کنترل زندگی، از حمایت‌های اجتماعی شبکه‌های ارتباطی خود برخوردار شده که قدرت کنار آمدن با فشارهای ناشی از فعالیت‌ها و روابط را افزایش می‌دهد و آرامش و آسایش روانی مطلوبی به دنبال خواهد داشت یعنی وجود سرمایه اجتماعی رسمی و غیررسمی اثرات فشارهای زندگی مانند تامین هزینه‌های سنگین زندگی مقابله با حوادث طبیعی و